

خلاصه نشست نقد رأی با موضوع تسبیب و تقصیر

نشست علمی نقد رأی با موضوع تسبیب و تقصیر با حضور حجت الاسلام و المسلمین دکتر قیاسی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم و حجت الاسلام والمسلمین عبدی، استاد سطوح عالی حوزه‌های علمیه در تاریخ ۹۴/۲/۲۱ به همت واحد فوق برنامه مرکز آموزش‌های تخصصی فقه برگزار گردید. در این نشست، ابتدا حجت‌الاسلام محمودی، دانش‌پژوه مرکز، پرونده مرتبط با موضوع تسبیب و تقصیر را تشریح کرد و در ادامه، استادان نظرهای خود را بیان کردند. متن پیش رو، خلاصه گزارش این نشست است.

گزارش مختصر پرونده

آقای محمودی: در این پرونده، یک زن و مرد که به تقاضای خودشان، منزل اجاره‌ای آقای ر.س را برای زندگی کردن گرفته بودند، به استناد پزشکی قانونی به دلیل مسمومیت ناشی از گاز گرفتگی فوت کرده‌اند. دادسرا برای بررسی علت حادثه، موضوع را به کارشناسی ارجاع می‌دهد. بعد از سه مرحله ارجاع به کارشناسی، کارشناسی یک نفره و سه نفره و پنج نفره، علت حادثه در چهار عنوان بیان می‌شود:

- (۱) نصب لوله بخاری به صورت غیر استاندارد (شش متر افقی)؛
- (۲) نصب غیر مجاز آب گرم کن دیواری (با توجه به مجوزی که ساخت آن منزل داشته، زیر شصت متر بوده است. پس باید از آب گرم کن زمینی استفاده می‌کرد)؛
- (۳) تبدیل قطر لوله آب گرم کن از ۱۵ سانتی‌متر به ۱۰ سانتی‌متر؛
- (۴) نقص فنی خود آب گرم کن (به دلیل اینکه ۰۲ برابر حد مجاز، گاز منواکسید کربن تولید می‌کرد).

همان طور که از کیفرخواست برمی آید، همه افراد در پرونده را مقصر و هر یک را به درصد مشخصی، مسئول دانسته است:

- موجر و نصاب و بازرس شرکت گاز و شرکت سازنده آب گرم کن، هر کدام به میزان ده درصد؛

- مستأجری که خانه خود را در اختیار این دو نفر فوت شده قرار داده است، بیست درصد؛
- هر کدام از فوت شدگان، به میزان بیست درصد.

در نهایت، دادسرا قرار مجرمیت و کیفرخواست صادر کرد. قاضی دادگاه با این استدلال که این قتل از باب تسبیب است و اسباب در اینجا متعدد است، اعلام کرد که طبق فتوای مشهور فقها و قوانین موضوعه ایران، فقط اسباب عدوانی، ضامن هستند و فقط نقش موجر و نصاب را به عنوان سبب عدوانی، احراز و محکوم به دیه کرد. سپس عوامل دیگر مثل مستأجر را تبرئه کرد.

بررسی حقوقی پرونده

با توجه به اینکه این بحث درباره پرونده قضایی و نقد رأی است و به تشریح حقوقی نیاز دارد، استاد قیاسی نظرهای خود را بیان کرد.

دکتر قیاسی: نکاتی درباره پرونده‌هایی با موضوع تسبیبی

(۱) پیچیدگی موضوعی پرونده‌های تسبیب بیشتر از پیچیدگی حکمی آن است به ویژه پرونده‌های گاز گرفتگی.

(۲) این دادنامه دو قسمت دارد. یک بخش مربوط به کیفرخواست است که ظاهراً با بی دقتی تنظیم شده و به همه عوامل اثرگذار، درصدی اختصاص داده است. البته دادنامه با دقت بیشتری تنظیم شده است، ولی نکاتی دارد که باید به آن توجه کرد.

اولین نکته این است که در این پرونده، یک سری ابهام‌هایی وجود دارد و موضوع برای ما مشخص نیست؛ زیرا در پرونده گفته شده است که لوله بخاری به صورت غیر مجاز (شش متر افقی) نصب شده بود و گاز در آن حرکت نمی‌کرد. اجاق گاز هم که منواکسید کربن تولید می‌کند، روشن بود. آب گرم کن هم که به صورت غیر مجاز نصب شده، خراب بود.

اگر این عوامل یادشده به طور دقیق آزمایش می‌شد، ممکن بود اصلاً میزان تولید منواکسید کربن به وسیله اجاق گاز و لوله بخاری در مقابل آب گرم کن، ناچیز شمرده شود. اگر هر کدام از این دو بود به جز آب گرم کن، موجب مسمویت نمی‌شدند. در مورد خرابی آب گرم کن نیز که در پرونده به آن اشاره شده، آیا مربوط به کار خانه بوده یا بعداً بر اثر کهنگی و استهلاک خراب

شده، ولی با وجود این مشکل، نصب شده است؟ آیا نصاب دوره فنی دیده است؟ اگر گواهی دارد، مدرکش را تقلبی گرفته یا واقعی؟ این موردها در تعیین سببیت فرد اثر دارند. در حل این مسئله، فرض را بر این گذاشته‌ایم که این سه امر با هم در حادثه اثر داشته‌اند و با این فرض، مسئله را حل می‌کنیم.

(۱) حسب گزارش کارشناسان که همگی به اتفاق گفته‌اند یکی از دلایل وقوع حادثه، نصب غیر استاندارد لوله بخاری است:

چون برای نصب لوله بخاری، قانون نداریم، باید به عرف مراجعه کنیم و ببینیم آیا این عمل در عرف به طور متعارف، بی احتیاطی است یا نیست. اگر بی احتیاطی است، بین سبب و مباشر یا دو سبب که در طول هم قرار دارند، اگر سبب دوم، عالم باشد به آنچه رخ می‌دهد، تقصیر متوجه اوست.

بنابراین، مالک لوله را شش متری نصب کرده و به صورت افقی و واقعا نمی‌دانسته که این وضعیت، کشنده است و نمی‌خواسته است که کسی را بکشد. همچنین فوت‌شدگان این موضوع را نمی‌دانستند و استفاده کرده‌اند. پس چرا مالک را مسئول بدانیم، ولی فوت‌شدگان را مسئول ندانیم؟

ملاک سبب عدوانی (خلاف شرع بودن و رابطه علیت)

(۲) بحث سبب عدوانی که در این پرونده مطرح است.

فقها از سه اصطلاح استفاده می‌کنند:

(۱) افراط (که در حقوق به آن می‌گویند بی احتیاطی)؛

(۲) تفریط (که در حقوق به آن می‌گویند مبالاتی)؛

(۳) عدوان (کاری که خلاف شرع است).

در کتاب تسبیب خود، بحثی را در این زمینه مطرح کرده‌ایم به این صورت که آیا عدوان به طور مطلق، ضمان آور است یا نه؟

قانون‌گذار در کتاب غضب، عدوان را مطلقا موجب ضمان می‌داند (یعنی اگر کسی مثلا گوسفند شخصی را دزدید و شب سیل آمد و آن را از بین برد، غاصب، مسئول است ولو تلف مستند به او نیست). آیا در تسبیب هم همین طور است؟

میرزا حبیب‌الله رشتی همان طور که در کتاب تسبیب بیان کردیم، عدوان را در تسبیب به طور مطلق موجب ضمان می‌داند، ولو اینکه رابطه علیت بین عدوان و حادثه باشد یا نباشد، اما اینجا ضمان را به طور مطلق موجب ضمان نمی‌دانیم، بلکه به نظر ما باید بین عدوان و حادثه

رابطه علیت وجود داشته باشد. نظریه قالب در رویه قضایی هم همین طور است که عدوان را در صورت وجود رابطه علیت آن با حادثه موجب ضمان می‌دانند.

در مسئله مورد بحث هم عدوان است (خلاف مقررات است) و هم رابطه علیت وجود دارد (یعنی اگر اینها این کار را نمی‌کردند، حادثه رخ نمی‌داد). پس سببها عدوانی‌اند. در این دادنامه از استفاده از دودکش به صورت افقی، استفاده از آب‌گرم‌کن دیواری و نصب آن توسط نصاب، تقلیل ابعاد دودکش توسط موجر بر خلاف نظام‌های دولتی اعلام شده و اقدام نکردن موجر برای تعمیر و رفع نواقص و عمل نصاب هم در زمینه نصب آب‌گرم‌کن دیواری به جای آب‌گرم‌کن زمینی که فعل مثبت است، سخن به میان آمده است.

تقصیر این دو در کنار تقصیرهای دیگر چه حکمی پیدا می‌کند؟ از طرفی به نظر می‌رسد که این اسباب اقوا و عدوانی، در عرض یکدیگر هستند، نه در طول هم و در قوانین موضوعه، اگر اسباب عدوانی در عرض یکدیگر قرار گیرند، اسباب بالسویه مسئولند. البته در قانون قبل، رویه این بود که به دلیل نزدیک بودن به عدالت و انصاف، تعیین میزان مسئولیت هر فرد به میزان تقصیرش بود. بنابراین، برای هر مسئول به میزان تقصیرش، درصدی را مشخص کرده است. در این پرونده گفته شده است که این دو، اسباب اقوا هستند، ولی نگفته است اقوا از چه؛ مباشر یا سبب‌های دیگر؟ بنابراین، هر دو را مسئول دانسته است که ابهام دارد.

۳) قاضی در دادنامه، ۴۰ درصد مسئولیتی را که دادسرا به فوت‌شدگان داده بود، نمی‌پذیرد و آنها را بری از مسئولیت می‌داند و استدلال می‌کند با توجه با اصل سلامت کالا، نام‌برندگان از وجود ناقصی‌های مطرح هرگز آگاهی نداشته‌اند و فوت آنها از ناقصی‌هاست، نه عمل خودشان. پس مسئول نیستند.

به نظر دادسرا، خانم ف.پ به دلیل استفاده مداوم از آب‌گرم‌کن نایمن در استحمام طولانی خود، در حالی که بخاری و اجاق گاز، روشن و فضای خانه هم بسیار کوچک بود، از تهویه مناسب استفاده نکرده است. مثلاً می‌توانست در این شرایط، در ورودی خانه را مقداری باز بگذارد. به همین دلیل، هر دو فوت‌شده را در مرگ خودشان مقصر دانسته است.

کارشناس درست حدس زده است و اینها هم باید مسئول باشند؛ چون با وجود این همه تبلیغات در رسانه‌ها، از نظر عرفی گفته می‌شود که بی‌مبالاتی کرده‌اند. قاضی می‌گوید فوت‌شدگان وظیفه قانونی برای کنترل نداشته‌اند. بنابراین، مقصر نیستند. بر خلاف این نظر که اینها وظیفه قانونی داشته‌اند، پس مقصرند، می‌گوییم از نظر بی‌مبالاتی عرفی‌شان مقصرند.

بحث سبب مقدم در تأثیر

با این استدلال ایشان که گفته است: «ثانیا این سبب در طول اسباب غیر عدوانی صدرالذکر و متأخر از آنها می‌باشد»، می‌توان گفت اگر اسباب داشته باشیم، در طول هم هستند، اما سبب مقدم در تأثیر نداشته باشیم. فقها در این زمینه بحث نکرده و گویا مفروض گرفته‌اند همواره سبب مقدم، سبب مقدم در تأثیر هم است. این در حالی است که در بعضی پرونده‌ها اصلا سبب مقدم نداریم. بنابراین، در چنین موردهایی، همه اسباب عدوانی را ضامن می‌دانیم؛ چون شرط اینکه یکی از اسباب، ضامن باشد، در اینجا وجود ندارد و آن شرط اینکه سبب مقدم در تأثیر باشد. در این پرونده هم همین طور است؛ چون چند تا عمل به یک باره با هم کار کرده‌اند. بعضی‌هایشان فعل است و بعضی ترک فعل و سبب مقدم در تأثیر نداریم. بنابراین، همه سبب‌های عدوانی ضامن هستند. به نظر ما، فوت‌شدگان هم ضامن هستند و اینکه در طول اسباب باشند، در اینجا نمی‌تواند موجب عدم ضمانشان شود.

آیا عدم الفعل می‌تواند سبب باشد؟

۴) اینکه عمل مستأجر را موجب ضمان نگرفته، درست است، اما استدلالش درست نیست؛ زیرا گفته است: «چون در حقوق، ترک فعل زمانی مجازات دارد که طبق قانون، وظیفه‌ای بر دوش شما وجود داشته باشد. لذا مستأجر قانونا وظیفه‌ای نداشته است. لذا این عدم آگاهی دادن او که ترک فعل است، موجب ضمان نیست.»

جواب: این وضعیت دلیل نمی‌شود در باب ضمانات هم این طور باشد. چه بسا بسیاری از ترک فعل‌هاست که وظیفه قانونی در قبال آن وجود ندارد، اما بی‌مبالاتی عرفی تلقی و باعث ضمان شخص می‌شود، هرچند مجازات نداشته باشد. مثال معروفی هم دارد که اگر کسی گلدان را در بالکن بدون حفاظ بگذارد و بعد بر اثر وزش باد، گلدان بیافتد و به کسی برخورد کند و موجب خسارت شود، صاحب گلدان ضامن است به دلیل این بی‌مبالاتی عرفی، هر چند مجازات نمی‌شود. پس مستأجر، ضامن نیست نه به دلیل ترک فعل، بلکه به دلیل عدم اطلاع. این شخص ضامن نیست و از نظر عرفی، بی‌مبالاتی نکرده است.

۵) ایشان کارخانه را مسئول نمی‌داند و علت عدم مسئولیت را ترک فعل می‌داند (یعنی کارخانه موظف نیست از نظر قانونی بر کار نصاب نظارت کند). به نظر ما، کارخانه، مسئول است؛ زیرا کارخانه جنس بد تولید کرده و کارش فعل مثبت است، نه ترک فعل.

۶) تقصیری متوجه مأمور گاز نکرده که درست است؛ چون نقش مأمور گاز تا زمانی است که ساختمان ساخته می‌شود. وقتی ساختمان ساخته شد، دیگر نقشی ندارد.

نکته دوم: اگر فوت‌شدگان را سبب در نظر بگیریم یا مباشر بدانیم، چون در سبب و مباشر بودن اینها ظرافتی نهفته است و به نظر می‌رسد این دو فوت شده به مباشر بودن نزدیک‌ترند، ولی ممکن است کسی اینها را سبب تلقی کند؛ چون مستقیماً موجب مرگ خود نشده‌اند. پس بنا بر این اینکه آنان را سبب در نظر بگیریم یا مباشر یا مقصر یا غیر مقصر، حکم ما متفاوت خواهد شد.

تبیین فقهی پرونده

استاد عبدی: در خصوص این پرونده به صورت فایده‌ای صحبت می‌کنیم، نه با یک نظم منطقی. اکنون چند نکته کلی در مسائل تسبیب و بررسی فقهی بیان می‌شود:

۱) چرا در کتاب‌های فقهی هیچ‌گاه این سنخ مسائل را نمی‌بینیم (ذکر عوامل مختلف در یک مسئله)؛ البته گاهی در موضوعاتی مثل قصاص چنین وضعیتی وجود دارد، ولی عموماً این کار در فقه انجام نمی‌شود. چه بسا این پرونده، ما را با حکمت این کار فقها آشنا کند. این کار، کار موضوعی است که تشخیص موضوع با عامی است یا قاضی یا حاکم و به فقیه ربطی ندارد. به نظر می‌رسد وقتی مفهوم ابهام پیدا می‌کند، راهی نداریم که تعریف به ماهیت را کنار بگذاریم یا در نهایت، از مفاهیم انتزاعی استفاده کنیم. فقها به مثال‌های ساده پرداخته و اساساً در پی شناخت مؤلفه‌ها و عناصر اصلی بوده‌اند، نه موضوع‌شناسی موضوعات پیچیده که منجر به مناقشه در مثال می‌شود.

۲) مسائل تسبیبی شبیه یک تابلوی نقاشی است که برآیند آن را با یک ذوق عرفی می‌توان محاسبه کرد. در حقیقت، یک نوع هنر حقوقی است، نه مبحث برهانی یا فلسفی حقوق. یعنی این طور نیست که فرد بتواند به راحتی، سازوکار تطبیق آن را پیدا کند. پس در تطبیق ممکن است قابل اثبات نباشد؛ یعنی در بسیاری از موارد می‌توان چنین گفت (من این طور می‌فهمم، اما چراییش را نمی‌توانیم بگوییم). وقتی می‌خواهیم این نقاشی و برآیند آن را پیدا کنیم و ببینیم عناصر اصلی که می‌توانند مورد استناد قرار گیرند، چیست، تک تک این تصویر و رنگ‌آمیزی و نوع رنگ و عوامل بسیار دیگری مؤثرند.

۳) این خلاصه پرونده بسیار مجمل است و با این مقدار اصلاً قابلیت نظر ندارد؛ چون عوامل متغیر در آن زیاد است که در بخشی از آنها مشترک هستیم با نظر دکتر، اما به بخشی دیگر اشاره می‌کنیم:

در عبارتی آمده است: «لوله بخاری به صورت افقی نصب شده». سؤال این است که اگر کسی دو سال در مکانی بماند و زندگی کند و این وضعیت را ببیند، با آگاهی‌هایی رسانه‌ای

درباره این امور، خودشان باید احتیاط‌های لازم را انجام می‌دادند. در این زمینه، سن و میزان تحصیلاتشان دخیل است؛ زیرا ممکن است در سنی باشند که متوجه این آگاهی‌های رسانه‌ای نمی‌شدند یا اصلاً شاید سواد نداشتند که متوجه این آگاهی‌ها شوند.

پرسش دیگر این است که مالک لوله آب‌گرم‌کن را از ۱۵ سانتی‌متر به ۱۰ سانتی‌متر کاهش داده است یا نصاب؟ مورد دیگر این است که خرابی آب‌گرم‌کن را به مدیر کارخانه ربط داده است که دو حالت دارد. اگر آب‌گرم‌کن نو نقص فنی داشت، شرکت مسئول است، اما اگر آب‌گرم‌کن دسته دوم باشد و بر اثر کهنگی و استهلاک دچار نقص فنی شده باشد، در این صورت، موجب قطع اسباب است، در حالی که پرونده به عنوان سبب بعید، آن را کنار گذاشته است. در این موارد آگاهی نداریم.

مباحث فنی فقهی پرونده

(۱) در پرونده گفته شده است که سبب، اقوا از مباشر است. مباشر در این پرونده کیست؟ تنها کسی را که می‌توان یافت، فوت‌شدگان هستند. این در حالی است که خود قاضی برای اینکه فوت‌شدگان را از مسئولیت بری بداند، می‌گوید: «اصل بر سلامت تجهیزات مورد استفاده بوده و نام‌بردگان از حدود نواقص مطروحه هرگز آگاهی نداشته‌اند و فوت آنها از نواقص مطروحه نشئت گرفته، نه عمل خودشان». این تعبیر دقیقاً نفی مباشرت است و به نوعی تناقض‌گویی است. تعجب است که این تناقض‌گویی را چه گونه مطرح کرده است؛ چون در این موضوع، اصلاً مباشر نداریم و همه‌اش از اسباب است.

(۲) بحث خروج مرتکب از عمل متعارف هم مطرح است که انجام کار بدون رعایت موازین و مقررات را معیارهای عدوانی بودن گرفته است. تخلف از قانون موجب صدق عنوان عدوانی می‌شود، در حالی که این بیان با مذاق فقه سازگار نیست. چنین اطلاقی را برای عدوانی بودن نمی‌توان در نظر گرفت؛ یعنی هر کس قانون را زیر پا بگذارد، به عنوان یک سبب عدوانی است، مگر اینکه آن را در موارد متعارف بیاوریم.

(۳) در اصل صحت و سلامت جنس که مطرح شده است، مراد از این اصل چیست؟ آیا مراد اصل صحت، عمل غیر است یا در مورد مبیع، وقتی شخص می‌خواهد کالا بخرد، اصل اینکه کالای سالم مورد نظر است، مطرح می‌شود؟

(۴) نکته دیگر اینکه به گفته استاد قیاسی، فقهای ما سبب مقدم در تأثیر و به عبارتی دیگر، تأثیر مؤثر مقدم را ذکر نکرده‌اند. احتمال می‌دهیم که دلیلش آن است که سبب مقدم در تأثیر را با سبب مقدم در وجود مساوی می‌دانستند؛ چون عدم تعرض به این مسئله خیلی مهم است.

پاسخ یک پرسش

۱- معیار و ضابطه اینکه هر کدام از سببها چند درصد مقصر هستند، چیست؟

پاسخ استاد قیاسی:

هیچ معیاری ندارد و خود کارشناسها می نویسند. با توجه به اینکه هیچ معیاری در این خصوص وجود ندارد، بنا به درخواست قضات، میزان درصد این طور تعیین می شود. آیا معیار، عرف است؟ گاهی عرف است و گاهی اوقات، کارشناسی است.

اگر عرف است، در موارد اختلافی چه باید کرد؟ به کارشناس سه نفره ارجاع می دهند. اگر دوباره اختلاف شد، به کارشناس پنج نفره حواله می دهند که دیگر، قاطع دعواست، مگر اینکه خود قاضی نظر دیگری داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی